

فصل اول

درآمد

۱-۱ - مقدمه

در این فصل پس از بیان مسئله، خلاصه‌ای از پیشینه‌ی تحقیق، اهمیت و ضرورت انجام آن، سوالات و فرضیه‌های تحقیق و روش گردآوری داده‌ها را ارائه می‌کنیم و به منظور آشنایی با زبان‌های مورد بحث، شرح مختصری از تاریخچه‌ی هر یک را بیان نموده و توزیع اضافه را در آن‌ها بررسی می‌نماییم.

۱-۲ - بیان مسئله و سوابق تحقیق

ساختار اضافه یکی از ساختارهای ویژه‌ی زبان‌های ایرانی است که همواره مورد توجه زبان‌شناسان بوده است. «اضافه» اغلب واکه‌ی بدون تکیه‌ای است که در گروه‌های غیرفعلی در زبان‌های ایرانی بین عنصر هسته و عناصر وابسته به آن قرار می‌گیرد و هم‌چون زنجیره‌ای عناصر گروه را به یکدیگر متصل می‌کند. در دستورهای سنتی، اضافه در قالب بررسی گروه‌های اسمی، صفتی، قیدی و گروه حرف اضافه مورد توجه قرار می‌گیرد، اما امروزه زبان‌شناسان، آن را در قالب ساختاری مستقل به نام ساخت اضافه^۱ معرفی و بررسی می‌کنند. ساختار اضافه در گروه اسمی نمود آشکارتری نسبت به گروه صفت و گروه حرف اضافه دارد، از این رو در مطالعات زبان‌شناسی اضافه همواره به عنوان یکی از مشخصه‌های گروه اسمی مورد توجه قرار می‌گیرد.

در دستوره‌های سنتی هم‌چون خانلری (۱۳۸۰)، انوری و گیوی (۱۳۸۰)، وحیدیان کامیار و عمرانی (۱۳۸۱) تحلیل ساختار اضافه بر پایه روابط معنایی بین سازه‌های تشکیل‌دهنده آن استوار است و تقسیم‌بندی اضافه از حیث مفاهیم و روابط معنایی موجود بین سازه‌های قبل و بعد از آن صورت می‌گیرد. این نوع تقسیم‌بندی به علت پیچیدگی ذاتی معنا و روابط معنایی، منجر به فهرست مفصلی از انواع اضافه می‌شود؛ مانند اضافه ملکی، اضافه تشبیهی، اضافه استعاری، اضافه اختصاصی و انوری و گیوی (۱۳۸۰) بر این اساس، سی و یک مورد از انواع اضافه را برشمرده‌اند.

در مطالعات زبان‌شناسی سه رویکرد عمده نسبت به ساخت اضافه وجود دارد: رویکردهای ساختوازی، رویکردهای آوایی و رویکردهای نحوی. پالمر^۱ (۱۹۷۱) اولین کسی است که به رابطه نحوی بین سازه‌های موجود در ساختار اضافه می‌پردازد. تبایان^۲ (۱۹۷۴) بر اساس دستور زایشی، ساخت اضافه را صورت خلاصه‌شده جمله‌واره‌ای می‌داند که از طریق گشتارها به صورت گروه اسمی در آمده است. سمیعان (۱۹۸۳؛ ۱۹۹۴) در چارچوب نظریه معیار گسترده و ایکس تیره اضافه را اعطاکننده حالت دانسته که با استفاده از قاعده درج اضافه در سطح نمود آوایی به صورت کسره اضافه ظاهر می‌شود. قمشی (۱۹۹۷) همین رویکرد را با کمی تعدیل پذیرفته است. لارسن و یاماکیو (۲۰۰۵) نیز اضافه را کنترل‌کننده حالت در زبان‌های ایرانی می‌دانند. اما کهنمویی پور (۲۰۰۶) دلایلی بر ردّ اضافه به عنوان نشانه حالت آورده و در چارچوب برنامه کمینه‌گرایی چامسکی (۱۹۹۵؛ ۲۰۰۰؛ ۲۰۰۱) اضافه را یک مقوله نقشی می‌داند که در نتیجه حرکت نحوی اسم در این ساختار به وجود می‌آید. معین زاده (۲۰۰۶) همین تحلیل را می‌پذیرد اما قائل به وجود حرکت در گروه اسمی فارسی نیست. علاوه بر تحقیقات فوق که در زمینه ساختار اضافه در فارسی صورت گرفته است، رفتارهای متفاوت اضافه در سایر زبان‌های ایرانی توجه زبان‌شناسان را در سال‌های اخیر به خود جلب کرده است. هلمبرگ و آدن (۲۰۰۵)، کریمی (۲۰۰۷)، محمدی (۱۳۸۷) و هیگ (۲۰۰۷؛ ۲۰۰۸) از جمله زبان‌شناسانی هستند که به بررسی ساختار اضافه در برخی گویش‌های زبان کردی پرداخته‌اند. لارسن (۲۰۰۹) نیز موارد رخداد اضافه در گیلکی و

۱- Palmer

۲- Tabaian

مازندرانی را برشمرده است. او با قرار دادن داده‌های گیلکی و مازندرانی در کنار داده‌های فارسی و کردی، ساخت اضافه در گیلکی و مازندرانی را اضافه معکوس^۱ نامیده است.

۱-۳ - سوالات و فرضیه‌های تحقیق

اختلاف نظر پیرامون ماهیت اضافه در زبان فارسی و سایر زبان‌های ایرانی، ما را بر آن داشت که به بررسی تطبیقی ساخت اضافه در گویش‌های فارسی، گیلکی، بلوچی و هورامی بپردازیم. در این پایان‌نامه ما به دنبال پاسخ سوالات زیر هستیم:

الف) ماهیت اضافه در زبان‌های تحت بررسی چیست؟

ب) اضافه از نظر نقش و کارکرد در این زبان‌ها به چند دسته تقسیم می‌شود؟

ج) چه ویژگی‌ها یا مشخصه‌هایی فصل مشترک یا وجه تمایز اضافه در این زبان‌ها به شمار می‌روند؟

فرضیه‌ها

الف) اضافه یک مقوله نقشی است.

ب) اضافه را می‌توان در این زبان‌ها از نظر کارکرد به دو دسته تقسیم کرد: اضافه اسنادی و اضافه ملکی.

ج) اضافه اسنادی در گویش هورامی دارای مشخصه [+AgT] است و با برخی مقولات نقشی در گروه اسمی

مطابقت می‌کند، اما در سایر زبان‌های مورد بررسی فاقد چنین مشخصه‌ای است. اضافه ملکی در هر چهار زبان دارای یک نقش مشترک است و آن حالت‌دهی اضافی است.

۱-۴ - اهمیت و ضرورت تحقیق

تاکنون مطالعات متعددی درباره ساخت اضافه در زبان فارسی صورت گرفته است اما دامنه مطالعات در این

زمینه در سایر زبان‌های ایرانی بسیار محدود است. هلمبرگ و آدن (۲۰۰۵)، کریمی (۲۰۰۷)، محمدی (۱۳۸۷) و

هیگ (۲۰۰۷؛ ۲۰۰۸) از جمله زبان‌شناسانی هستند که به بررسی ساختار اضافه در برخی گویش‌های زبان کردی پرداخته‌اند. سمولین (۲۰۰۵؛ ۲۰۰۷) در کنار تحلیل و بررسی ساخت اضافه در فارسی نگاهی هم به ساخت اضافه در کردی داشته است، اما تحلیل او یک تحلیل ساختوازی است. در حوزه نحو، جای خالی بررسی‌های تطبیقی درباره ساخت اضافه در زبان‌های ایرانی احساس می‌شود. بدیهی است با مقایسه یک ساختار مشترک در چند زبان مختلف که همگی ریشه در یک زبان دارند، می‌توان تصویری روشن‌تر و واقعی‌تر از آن ساخت ارائه کرد.

۱-۵- اهداف تحقیق

کشف ماهیت تکواژ اضافه و گوناگونی صورت آوایی آن در زبان‌های تحت بررسی یکی از اهداف این پایان‌نامه است. بررسی و کشف این تنوع و گوناگونی میسر نخواهد شد مگر این که نگاهی همه‌جانبه به گروه اسمی در این زبان‌ها داشته باشیم. بررسی ساختار اضافه، به خودی خود، منجر به واکاوی رابطه سلسله‌مراتبی سازه‌های گروه اسمی می‌شود. بدین ترتیب در راستای بررسی تطبیقی ساخت اضافه، ساختار گروه اسمی در این زبان‌ها نیز مورد توجه قرار می‌گیرد.

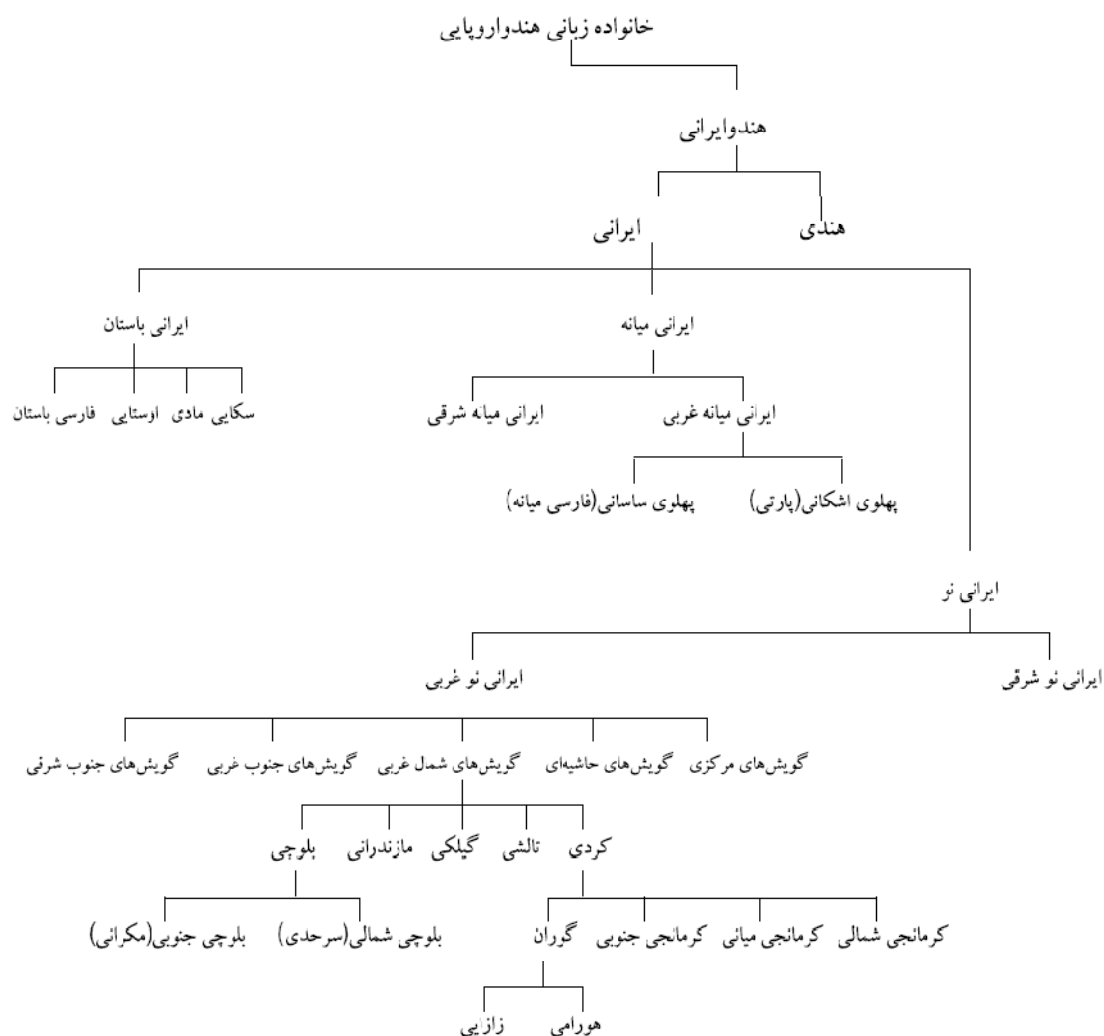
۱-۶- روش انجام تحقیق و گردآوری اطلاعات

پس از مطالعه دقیق پیشینه‌ی تحقیق در مورد ساختار اضافه در فارسی، به علت تنوع و گوناگونی تحلیل‌ها در این زمینه، تصمیم به بررسی تطبیقی این ساختار در زبان فارسی و کردی گرفتیم؛ زبان کردی پس از فارسی بیشترین مطالعات را در این زمینه به خود اختصاص داده است. در بین گویش‌های کردی، گویش هورامی به علت برخورداری از ویژگی‌های خاص اضافه و تشابه آن با زبان‌های ایرانی باستان مورد توجه قرار گرفت. پس از بررسی منشا اضافه در زبان‌های ایرانی دوره باستان و میانه فرضیه تحقیق در مورد دو نقشی بودن اضافه شکل گرفت. در ادامه، با بررسی گروه اسمی گیلکی و بلوچی در کنار داده‌های فارسی و کردی توانایی برنامه‌ی کمینه‌گرا در توجیه پدیده اضافه در این زبان‌ها بررسی شد. داده‌های تحقیق به روش کتابخانه‌ای و از میان متون و مقالات هورامی، گیلکی و بلوچی گردآوری شده و در طول نگارش پایان‌نامه بارها به کمک گویشوران این زبان‌ها مورد بازبینی قرار گرفته است.

۱-۷- تاریخچه

به منظور آشنایی با زبان‌های مورد بررسی در این پایان‌نامه، ابتدا نمودار کلی خانواده این زبان‌ها و سپس شرح مختصری از تاریخچه هر یک را معرفی می‌کنیم.

گویش‌های مورد بررسی در این پایان‌نامه همگی از زیرشاخه‌های زبان‌های ایرانی محسوب می‌شوند. زبان‌های ایرانی از خانواده زبان‌های هندوایرانی و این خانواده، خود، زیرشاخه‌ی زبان‌های هندواروپایی است:



۱-۷-۱- زبان فارسی

زبان فارسی که به آن فارسی دری نیز می‌گویند، زبان رسمی، اداری، علمی و ادبی ایران دوره اسلامی است و بیش از هزار و دویست سال قدمت دارد. این زبان مانند دیگر زبان‌های ایرانی، از قدیم‌ترین صورت بازمانده آن تا فارسی دری سه دوره تحولی باستان، میانه و جدید را پشت سر گذاشته است و زبان فارسی امروز دنباله‌ی طبیعی و

صورت تحول یافته‌ی یکی از گونه‌های زبان فارسی میانه به نام فارسی میانه‌ی زرتشتی است. فارسی دری امروز در افغانستان و تاجیکستان و ایران رایج است (انوری و گیوی ۱۳۸۰: ۲).

۱-۷-۲- زبان گیلکی

استان گیلان با مساحتی حدود ۱۴۰۰۰ کیلومتر مربع در کرانه‌ی جنوبی دریای خزر واقع شده است. مردم گیلان در طول تاریخ به نام‌های مختلفی نامیده شده‌اند؛ کاسپی، کادوس، آمارد، دیلمی، گالش، تالش، گیلک و... گیلانیان به زبان‌های گوناگونی از جمله گیلکی، تالشی، تاتی، ارمنی، ترکی آذربایجانی، کردی کرمانجی و لری لکی سخن می‌گویند. زبان مورد بحث در این پایان‌نامه یعنی زبان گیلکی از گروه زبان‌های شمال غربی یا گروه زبان‌های کرانه‌ی جنوبی دریای خزر است و با زبان‌های تالشی، طبری، تاتی و کردی مشترکات فراوانی دارد. این زبان پنج گونه‌ی عمده دارد که از نظر آوایی، واژگانی و گاه ویژگی‌های دستوری از هم متمایزند. این پنج گونه‌ی زبانی عبارتند از: ۱- گیلکی شهر رشت ۲- گیلکی مرکز و غرب گیلان ۳- گیلکی شرق گیلان ۴ - گالشی و ۵- گیلکی رودبار (پورهادی ۱۳۸۵: پیش‌گفتار). گویش مورد بررسی در پایان‌نامه‌ی حاضر گونه‌ی گیلکی مرکز استان یعنی گیلکی شهر رشت می‌باشد.

۱-۷-۳- زبان بلوچی

زبان بلوچی از زبان‌های ایرانی غربی است که در بلوچستان ایران و بلوچستان پاکستان و در افغانستان و جنوب آسیای میانه‌ی شوروی و در ناحیه‌ی شارجه رایج است (ابوالقاسمی ۱۳۸۵: ۲۶۰). بلوچستان ایران به دو منطقه عمده شمالی (سرحد) و جنوبی (مکران) تقسیم می‌شود. شهرهای زاهدان و خاش با توابع آنها سرحد نام دارد و شهرهای ایرانشهر، چابهار، سراوان و نیکشهر نیز با توابع و محدوده‌هایشان مکران نامیده می‌شوند. به گویش بلوچی که توسط طوایف مختلف بلوچ ساکن در منطقه سرحد صحبت می‌شود گویش سرحدی می‌گویند، هر چند هر طایفه لهجه‌ای خاص از بلوچی سرحدی را به کار می‌برند (یاراحمدزهی ۱۳۸۹: ۷).

گویش مورد نظر در پایان‌نامه حاضر گویش بلوچی سرحدی است که توسط طایفه یاراحمدزهی صحبت می‌شود. طایفه یاراحمدزهی یکی از طوایف مهم و معروف بلوچ است که در زاهدان و خاش سکونت دارند.

زبان‌های کردی از زبان‌های ایرانی غربی هستند که در ایران و ترکیه و عراق و ارمنستان و سوریه رواج دارند (ابوالقاسمی ۱۳۸۵: ۲۶۰). از زبان‌های کردی در دوره‌ی میانه و باستان اثری به جای نمانده است. دسته‌بندی‌های مختلفی از زبان کردی وجود دارد که یکی از آن‌ها بر اساس مناطق جغرافیایی، زبان کردی را به زیرشاخه‌های کرمانجی شمالی، کرمانجی میانی، کرمانجی جنوبی و گوران تقسیم می‌کند (زبیر بلال اسماعیل، ۱۹۸۴). هر کدام از این زیرشاخه‌ها به ترتیب به گویش‌های ۱- بادینانی، شمدینانی، شکاک، حکاری ۲- سورانی، موکریانی، اردلانی، کرکوکی ۳- فیلی، بختیاری، لکی، کلهری و ۴- زازایی و هورامی تقسیم می‌شوند. در این که هر یک از این زیرشاخه‌ها «زبان» محسوب می‌شوند یا «گویش»، اختلاف نظر وجود دارد چون برخی از آن‌ها از جمله هورامی توسط سایر گویشوران کرد قابل فهم نیستند. هورامی در مناطقی از غرب ایران و شمال عراق گسترده شده است. گویش مورد بحث در پایان‌نامه‌ی حاضر گویش هورامی شهر پاوه است.

۱-۸-۸ - توزیع اضافه

از آن جا که این پژوهش یک مطالعه تطبیقی است، لازم است به توزیع اضافه در هر یک از این چهار زبان پردازیم.

۱-۸-۱ - توزیع اضافه در فارسی

در گروه اسمی، به طور کلی تکواژ اضافه میان اسم و صفت (۱)، اسم و اسم توصیفگر (۲) و اسم و گروه ملکی (۳) ظاهر می‌شود:

۱.a) ketâb-e xub	b) xâne-ye bozorg	c) asb-e sefid
خوب اض- کتاب	بزرگ اض- خانه	سفید اض- اسب
کتاب خوب	خانه بزرگ	اسب سفید

۲.a) ketâb-e târix

تاریخِ اض - کتاب

کتابِ تاریخ

b) kif-e čarm

چرمِ اض - کیف

کیفِ چرمی

c) lebâs-e arusi

عروسیِ اض - لباس

لباسِ عروسی

۳.a) ketâb-e dânešâmuz

دانش‌آموزِ اض - کتاب

کتابِ دانش‌آموز

b) xâne-ye Ali

علیِ اض - خانه

خانه‌ی علی

c) mâdar-e man

منِ اض - مادر

مادرِ من

توصیفگرهای اسم خود می‌توانند وابسته بپذیرند:

۴. ketâb-e [xeili xub]

خوبِ خیلیِ اض - کتاب

کتابِ خیلیِ خوب

۵. asb-e [sefid-e zibâ]

زیباِ اض - سفیدِ اض - اسب

اسبِ سفیدِ زیبا

۶. ketâb-e [târix-e zabânšenâsi]

زبان‌شناسیِ اض - تاریخِ اض - کتاب

کتابِ تاریخِ زبان‌شناسی

۷. xâne-ye [barâdar-e Ali]

علیِ اض - برادرِ اض - خانه

خانه‌ی برادرِ علی

۸. ketâb-e [dânešâmuz-e kušâ]

کوشاِ اض - دانش‌آموزِ اض - کتاب

کتابِ دانش‌آموزِ کوشا

۹. mâdar-e [man-e bičâre]

بیچارهِ اض - منِ اض - مادر

مادرِ منِ بیچاره

وقتی هسته اسمی دارای دو یا چند توصیفگر و متمم است، تکواژ اضافه بین آن‌ها قرار گرفته و همچون

زنجیره‌ای عناصر گروه را به یکدیگر پیوند می‌دهد:

۱۰. šahr-e bozorg-e Tehrân

تهرانِ اض - بزرگِ اض - شهر

شهرِ بزرگِ تهران

۱۱. mâdar-e bičâre-ye man

منِ اض - بیچارهِ اض - مادر

مادرِ بیچاره‌ی من

ساخت اضافه محدودیت‌هایی را بر ترتیب سازه‌ها در قلمرو خود اعمال می‌کند. عنصر ملکی همیشه سازه‌ی آخر گروه است و سایر وابسته‌های اسم، بین هسته و گروه ملکی قرار می‌گیرند و به وسیله تکواژ اضافه به هسته متصل می‌شوند. جابجایی این عناصر در گروه اسمی منجر به غیردستوری شدن و یا در مواردی تغییر معنایی در گروه می‌شود:

۱۲.ketâb-e târix-e zabânšenâsi-ye Ali

علی اض - زبان‌شناسی اض - تاریخ اض - کتاب

کتابِ تاریخِ زبان‌شناسیِ علی

* ketâb-e Ali-ye târix-e zabânšenâsi

* ketâb-e târix-e Ali-ye zabânšenâsi

* ketâb-e zabânšenâsi-ye târix-e Ali

در گروه صفت، تکواژ اضافه بین صفت و تنها متمم آن می‌آید:

۱۳.a) šifte-ye ketâb

b) negarân-e bačče-ha

c) montazer-e Ali

کتاب اض - شیفته

اض - نگران - بچه

علی اض - منتظر

شیفته‌ی کتاب

نگرانِ بچه‌ها

منتظرِ علی

در بعضی از گروه‌های حرف اضافه، تکواژ اضافه بین حرف اضافه و اسم بعد از آن قرار می‌گیرد:

۱۴.a) zir-e miz

b) pošt-e bâm

c) bala-(ye) deraxt

میز اض - زیر

بام اض - پشت

درخت (اض) - بالا

زیرِ میز

پشتِ بام

بالای درخت

حضور اضافه در برخی از این گروه‌ها همچون (۱۴.c) اختیاری است.

۱-۸-۲- توزیع اضافه در گیلکی

اضافه در گیلکی یک صورت آوایی (ə) بیشتر ندارد. توزیع اضافه در این زبان شبیه توزیع اضافه در فارسی است، اما از آنجا که زبان گیلکی یک زبان هسته-انتهاست، ترتیب عناصر گروه‌ها در آن برعکس زبان فارسی است. در گروه اسمی، صفات و توصیفگرهای اسم پیش از هسته می‌آیند. وابسته‌های پیشین اسم در گیلکی به ترتیب عبارتند از: ۱- اسم به عنوان شاخص ۲- صفت‌های بیانی شامل صفت بیانی ساده، فاعلی، مفعولی، نسبی و صفت لیاقت ۳- اعداد و ممیزها و کمیت نمای čən (چند) ۴- صفت‌های اشاره، پرسشی، مبهم و تعجبی ۵- مضاف‌الیه اسمی یا ضمیری ۶- برخی از حروف اضافه (پورهادی ۱۳۸۵: ۹۷).

تکواژ اضافه بین هسته و وابسته‌های گروه ۲ (صفت‌های بیانی) و گروه ۵ (مضاف‌الیه اسمی یا ضمیری) ظاهر می‌شود، اما برای آشنایی بیشتر با گروه اسمی در زبان گیلکی نمونه‌هایی از سایر وابسته‌های اسم را نیز ذکر می‌کنیم.

۱- اولین وابسته پیشین در گروه اسمی گویش گیلکی، اسم یا صفتی است که به عنوان شاخص برای احترام و یا محدود کردن اسم به کار می‌رود و بدون تکواژ اضافه در جایگاه اول پیش از اسم می‌آید:

۱۵.a) ke:xudâ səfər

b) še:x isâ

c) ustâ musəyb

صفر - Ø - کدخدا

عیسی - Ø - شیخ

مصیب - Ø - استاد

کدخدا صفر

شیخ عیسی

استاد مصیب

۲- صفت‌های بیانی اعم از صفت ساده، فاعلی، مفعولی، نسبی و لیاقت در جایگاه دوم پیش از هسته قرار دارند و به کمک تکواژ اضافه به هسته متصل می‌شوند:

۱۶.a) hist-ə rāši b) zərx-ə kâl-ə gəb c) dučulkəst-ə dim

چهره اض - چروکیده سخن اض - کال اض - گزنده جاده اض - خیس

چهره‌ی چروکیده سخن‌گزنده‌ی کال جاده‌ی خیس

(پورهادی ۱۳۸۵: ۹۷)

صفت‌های بیانی‌ای که در معنی آن‌ها نشانه نوع جنس نهفته است، عموماً نشانه /i/ می‌گیرند:

e) mirs-i mušrəfə f) gâli poš-i xânə g) zinkây-i sər amârət

خانه Ø - رو اض - حلب خانه اض - گالی‌پوش مشربه اض - مسی

خانه‌ی حلب‌پوش خانه‌ی گالی‌پوش مشربه‌ی مسی

اگر صفت به واکه ختم شود، نشانه اضافه نمی‌گیرد:

g) Siyâ kəlâ h) Pile dâr-ân i) kuči xâxar

خواهر Ø - کوچک جم - درخت Ø - بزرگ کلاغ Ø - سیاه

خواهرِ کوچک درختانِ بزرگ کلاغِ سیاه

۳- وابسته‌های پیشین در این جایگاه عبارتند از: اعداد و ممیزها، کمیت نمای čən (چند) و صفت تعجبی Či (چه).

عدد وابسته ممیز است و عدد و ممیز با هم، وابسته هسته‌اند. ممیز همیشه قبل از هسته و پس از عدد می‌آید. ممیز

هیچ گاه بدون عدد اصلی برای توصیف اسم به کار نمی‌رود، اما عدد اصلی بدون ممیز به کار می‌رود:

۱۷. du d ânə âquz

۱۸. čâr bərâr-(ân)

گردو دانه دو

جم - برادر چهار

دو عدد گردو

چهار برادران

۱۹. či qəʃng-ə amârət-i ۲۰. čən-tâ səs-ə kulmə

ماهی اض - بی نمک تا - چند نک - عمارت اض - قشنگ چه

چند تا ماهی بی نمک چه عمارت قشنگی

۴- در جایگاه چهارم وابسته‌های پیشین زبان گلیکی صفت اشاره، صفت پرسشی و صفت مبهم قرار دارند. صفت‌های اشاره در گلیکی عبارتند از: /i/ /a/ (این)، /u/ (آن)، /hi/ /ha/ (همین) و /hu/ (همان).

۲۱. â i dəzgâ gâli poš-i xânə ۲۲. ko g âli poš-i xânə

خانه اض - گالی پوش کدام خانه اض - گالی پوش دستگاه یک این

کدام خانه‌ی گالی پوش این یک دستگاه خانه‌ی گالی پوش

۲۳. har du tâ gâli poš-i xânə

خانه اض - گالی پوش تا دو هر

هر دو تا خانه‌ی گالی پوش

۵- وابسته پیشین پنج در گروه اسمی گلیکی شامل مضاف‌الیه اسمی و ضمیری است:

۲۴.a) gâv-ə gušt b) vərɸ-ə gudə c) am-i mâšin

ماشین اض - ما گلوله اض - برف گوشت اض - گاو

ماشین ما گلوله‌ی برف گوشت گاو

اگر مضاف‌الیه به واکه ختم شود، نشانه اضافه نمی‌گیرد:

d) Ali kitâb

e) tâlâ kutə

کتاب - Ø - علی

بچه - Ø - خروس

کتابِ علی

بچه خروس

در گلیکی، اسم نه تنها به عنوان شاخص در جایگاه وابسته پیشین یک، بلکه به عنوان مضاف‌الیه در جایگاه وابسته پیشین پنج نیز ظاهر می‌شود و خود نیز می‌تواند به عنوان هسته، وابسته‌های دیگر، مثل شاخص، صفت یا مضاف‌الیه پذیرد و با گروه اسمی تازه‌ای گسترش یابد:

۲۵. am-i kogâ arbâb-ə du uškub-ə zinkây-i sər amâret

خانه پوش اض - حلب اض طبقه دو اض - ارباب محله اض - ما

خانه‌ی دو طبقه‌ی حلب پوش ارباب محله‌ی ما

جا به جایی این وابسته‌ها با وابسته‌های دیگر اسم، زنجیره‌ی بد ساخت به وجود می‌آورد و در مواردی معنی ساخت را تغییر می‌دهد:

۲۶. pile p âlövən səfər-ə bərâr

۲۷. pâlövən səfər-ə pile bərâr

برادرِ پهلوانِ صفرِ بزرگ

برادرِ بزرگِ پهلوانِ صفر

۶- عناصر این جایگاه در گروه اسمی گلیکی، عمدتاً حروف اضافه دخیل‌اند. گرایش عمومی زبان گلیکی در کاربرد حروف اضافه به صورت پسین است. اعضای این جایگاه محدود به چند حرف اضافه زیر است:

۲۸.a) bi čəng-ə mušt

b) tâ am-i bâq

c) bâ kələ adəm

مشت اض - چنگ بی

باغ اض - ما تا

آدم کله با

بی چنگ و مشت (مجازاً بی عرضه)

تا باغ ما

آدم با کله

در گلیکی غالب حروف اضافه پسین هستند و به همراه نشانه‌ی اضافه یا بدون آن، پس از هسته می‌آیند:

۲۹.a) divâr-e sar

b) istaxr-e dowri

c) xowne(ye) varji

رو اض - دیوار

دور اض - استخر

نزدیک (اض) - خانه

روی دیوار

دور استخر

نزدیک خانه

اما گروه حرف اضافه خود از وابسته‌های پیشین اسم است و قبل از اسم می‌آید:

۲۹. dâr-ân-ə

sər-ə

vərf

برف اض - رو اض - جم - درخت

برف روی درختان

۱-۸-۳ - توزیع اضافه در بلوچی

زبان بلوچی هم چون گیلکی یک زبان هسته - انتهاست. صفات و توصیفگرهای اسم در گروه اسمی پیش از هسته می‌آیند و به کمک تکواژ اضافه به هسته متصل می‌شوند. در بلوچی سرحدی نمود آوایی اضافه بین اسم و صفت به صورت in- و بین مضاف و مضاف‌الیه به صورت i/e- می‌باشد:

۳۰.a) tuh-in ges

b) amin-i /*amin-in ges

c) bâg-e dar

خانه اض - بزرگ

اض - امین خانه

اض - باغ در

خانه‌ی بزرگ

خانه‌ی امین

در باغ

در حالت بی‌نشان در صورت حضور بیش از یک صفت در گروه اسمی، بر ترتیب قرار گرفتن آن‌ها نسبت

به یکدیگر و دوری و نزدیکی شان به اسم هسته محدودیت‌هایی حاکم است:

۳۱.a) tuh-in zard-in miəz ? zard-in tuh-in miəz

میز - اض - زرد - اض - بزرگ

میزِ زردِ بزرگ

b) dorr-in čarm-in kiəp * čarm-in dorr-in kiəp

کیف - اض - چرمی - اض - قشنگ

کیفِ چرمیِ قشنگ

kohnag-in spiət-in jâmag * spiət-in kohnag-in jâmag

لباس - اض - سفید - اض - کهنه

لباسِ سفیدِ کهنه

(یاراحمدزهی ۱۳۸۹: ص ۱۲۳)

صفات بیانی، قبل از شاخص دومین جایگاه پیش از اسم را اشغال می کنند:

۳۲. zand-in nâku Karim

کریم - اض - چاق

عمو کریم چاق

وابسته‌های دیگر اسم از جمله اعداد و ممیزها، صفات عالی و کمیت‌نمای čont (چند) پیش از صفات بیانی و

در جایگاه سوم و چهارم وابسته‌های پیشین اسم قرار دارند:

۳۳.a) do d ânag zard-in miəz

میز اض - زرد دانه دو

دو تا میز زرد

b) čont ramag zabr-in pas

گوسفند اض - خوب گله چند

چند گله گوسفند خوب

عنصر ملکی پیش از سایر وابسته‌های اسم به جز صفات اشاره (‘‘ye’’/‘‘ā’’، ‘‘ā’’، ‘‘hami’’ همین و ‘‘hamā’’ همان) قرار می‌گیرد:

۳۳.a) mn-i tuh-in ges

b) mn-i se brâs

c) ye mn-i brâs

خانه اض - بزرگ اض - من

برادر سه اض - من

برادر اض من این

خانه‌ی بزرگِ من

سه برادرِ من

این برادرِ من

گروه حرف اضافه یکی دیگر از توصیف‌کننده‌های اسم در بلوچی است که به ندرت مورد استفاده قرار می‌گیرد. کاربران زبان بیشتر تمایل دارند که به جای گروه‌های حرف اضافه از ساخت‌های دیگری همچون صفت و یا بندهای موصولی برای رساندن مفهوم مورد نظر استفاده کنند:

۳۴.a) ser miəz-e ketâb-ân

جم - کتاب اض - میز رو

کتاب‌های روی میز

b) ketâb-ân-i ke ser miz - â - want

هستند غ فا - میز روی که اض - جم - کتاب

کتاب‌هایی که روی میز هستند.

(یاراحمدزهی ۱۳۸۹: ۱۳۴)

جایگاه گروه حرف اضافه در بین وابسته‌های اسم پیش از سایر وابسته‌هاست:

۳۵.a) ser miəz-e syâh-in kiəp

کیف اض - سیاه اض - میز رو

کیفِ سیاهِ رویِ میز

b) ser miəz-e â do nuk-in ketâb-ân

جم - کتاب اض - جدید دو آن اض - میز رو

آن دو کتابِ جدیدِ رویِ میز

۱-۸-۴ - توزیع اضافه در گویش هورامی

در گویش هورامی، هم‌چون بلوچی، نمود آوایی اضافه بین اسم و صفت (-i) با نمود آوایی اضافه بین مضاف و مضاف الیه (-u) متفاوت است. تکواژ اضافه بین مضاف و مضاف‌الیه در گروه اسمی مفرد همراه با یک نشانه حالت غیرفاعلی است که در انتهای گروه ظاهر می‌شود:

۳۶.a) asp-i zil b) asp-u Ahmad-i

غ فا - احمد اض - اسب بزرگ اض - اسب

«اسبِ بزرگ»

«اسبِ احمد»

در این گویش، تکواژ اضافه بین اسم و صفت (-i)، در مواجهه با مقولاتی چون نشانه معرفه، جمع و اشاره، پاره‌ای رفتارهای تطابقی از خود نشان می‌دهد که در خور توجه است. اضافه بین مضاف و مضاف الیه فاقد این رفتارهای تطابقی است و مستقل عمل می‌کند. در ادامه، به بررسی جزئیات این سخن می‌پردازیم.

گوش هورامی بر خلاف فارسی، گیلکی و بلوچی دارای نشانه آشکار معرفگی (a)ak- است که در حاشیه سمت راست اسم یا گروه اسمی قرار می‌گیرد. تکواژ اضافه (-i) هنگام رویارویی با این مقوله به صورت a- ظاهر می‌شود:

۳۷.a) asp-aka b) asp-a zil-aka *asp-i zil-aka

مع - اسب مع - اسب مع - اسب

اسب (مشخص) اسب بزرگ

اسم ممکن است علاوه بر نشانه معرفه با وابسته‌های معرفه‌ساز دیگر از جمله کلمات اشاره و گروه ملکی معرفه شود که بعداً به آن خواهیم پرداخت.

۱-۸-۴-۲ - نشانه جمع

نشانه جمع در گوش هورامی e- است و در انتهای گروه اسمی ظاهر می‌شود. تکواژ اضافه در مواجهه با پسوند جمع به صورت e- در می‌آید:

۳۸.a) asp-e b) asp-e zil-e *asp-i zil-e

جم - اسب جم - اسب جم - اسب

اسب‌ها اسب‌های بزرگ

زمانی که گروه اسمی همزمان دارای نشانه جمع و معرفه است، اضافه با نشانه معرفه مطابقت می‌کند نه با نشانه جمع:

۳۹. asp-a zil-ak-e *asp-i zil-ak-e *asp-e zil-ak-e

جم - مع - بزرگ اض - اسب

اسب‌های (مشخص) بزرگ

-â/-ân یکی دیگر از نشانه‌های جمع در هورامی است که فقط در گروه اسمی معرفه ظاهر می‌شود:

۳۰.a) asp-ak- ân

b) asp-a zil-ak-ân

جم - مع - اسب

جم - مع - بزرگ اض - اسب

اسب‌ها (مشخص)

اسب‌های بزرگ (مشخص)

۱- ۸- ۴- ۳- کلمات اشاره

کلمات اشاره در گویش هورامی از دو بخش مجزا تشکیل می‌شوند که در دو طرف اسم یا گروه اسمی قرار می‌گیرند. بخش اول این کلمات برای اشاره به دور و نزدیک و بخش دوم که همیشه ثابت است در انتهای گروه اسمی قرار می‌گیرد:

۳۱.a) i asp-a

b) â asp-a

اش - اسب اش (دور) اش - اسب اش (نزدیک)

این اسب

آن اسب

در گروه اسمی جمع، بخش ثابت کلمات اشاره نمود آوایی ندارد:

۳۲.a) i asp-e

b) â asp-e

جم - اسب اش (نزدیک)

جم - اسب اش (دور)

این اسب‌ها

آن اسب‌ها

تکواژ اضافه بین اسم و صفت در مواجهه با کلمات اشاره به صورت a- در می آید:

۳۳. â asp-a zil-a * â asp-i zil-a

اش - بزرگ اض اسب اش (دور)

آن اسب بزرگ

مثال زیر نشان می دهد که تکواژ اضافه با قسمت اول کلمات اشاره مطابقت می کند، نه با قسمت دوم:

۳۴. â asp-a zil-e * â asp-e zil-e * â asp-i zil-e

جم - بزرگ اض - اسب اش (دور)

آن اسب های بزرگ

در بخش نشانه معرفه اشاره کردیم که کلمات اشاره در تعبیر معرفگی گروه اسمی نقش دارند. درگوش

هورامی کلمات اشاره با نشانه معرفه در توزیع تکمیلی هستند:

* â asp-a syâw-aka

مع - سیاه اض - اسب اش (دور)

تکواژ اضافه بین مضاف و مضاف الیه فاقد این رفتارهای تطابقی است و با هیچ یک از مقولات بالا مطابقت

نمی کند:

۳۵. [asp-ak]-u Ahmad-i

غ فا - احمد اض مع - اسب

اسب احمد